



پنجره توسعه

ضرورت حکومت مشروع در تبعید!

آقای صادق امینی بنیانگذار شبکه افغانستان امپکت:

بیشتر از پنج سال می شود که گروه تروریستی طالبان، حاکمیت را در افغانستان به شکلی غیر مشروع غصب کرده اند؛ حاکمیتی که از سوی مردم افغانستان رد شده، مشروعیت ندارد و همچنین توسط کشورهای منطقه و جهان به رسمیت شناخته نشده است. پس به صورت عموم، افغانستان امروز حاکمیتی را تجربه می کند که حدود پنج سال است غیرمشروع باقی مانده است.

در این میان، سرنوشت بیش از ۴۰ میلیون شهروند افغانستان چه کسانی که در داخل کشورند و چه کسانی که در بیرون از افغانستان به سر می برند در سایه یک نظام غیرمشروع، نامعلوم است. در نبود یک دولت و حاکمیت مشروع در سطح منطقه و جهان، افغانستان عملاً بی نماینده است؛ افغانستان بی پرچم، بی قدرت، بی صدا و بدون حضور فعال رها شده است.

در کشورهای مختلف دنیا تجارب مشابهی وجود داشته است؛ زمانی که یک گروه مزدور دشمنان یک کشور می آیند و به روش های گوناگون کشور و قدرت را تصرف کرده و حاکمیتی غیر مشروع را شکل می دهند، مسئولیت ایجاد «حاکمیت در تبعید» مستقیماً متوجه رئیس جمهور آن کشور می شود. وقتی حاکمیت سقوط کرد و رئیس جمهور از افغانستان بیرون شد، باید حاکمیت در تبعید را شکل می داد، آن را اعلام می کرد، کابینه خود را گرد هم می آورد، سفارت ها و دارایی های افغانستان را حفظ می کرد و موقعیت کشور را در پلتفرم های مختلف بین المللی نگه می داشت تا روابط حفظ شده و حاکمیت غیر مشروع دوام نیابد یا قدرت و نفوذش در کشورهای مختلف گسترش نیابد.

اما متأسفانه رئیس جمهور افغانستان آن مسئولیت را انجام نداد و در ادای وظیفه اش ناکام شد. در کنار او، معاون اول مسئولیت داشت که اگر رئیس جمهور توانایی انجام آن را نداشت، دست به کار شود؛ یا مطابق به قانون اساسی، معاون دوم و به همین ترتیب سلسله مراتب مندرج در قانون اساسی عمل می کردند. مسئولان و رهبران سیاسی افغانستان که به صورت مشروع از مردم رأی گرفته بودند، باید مسئولیت ایجاد حاکمیت در تبعید را بر عهده می گرفتند و آن را تأسیس می کردند.

اما در نبود رهبری سیاسی مشروعی که از مردم رأی گرفته بود ولی کفایت لازم را برای تشکیل حاکمیت در تبعید نداشت، این مسئولیت متوجه نمایندگان مردم در پارلمان بود که ابتکار عمل را به دست گیرند؛ یا به طور کلی، مجموع نمایندگان و سیاستمداران افغانستان کسانی که ادعای خدمت به مردم را دارند و می خواهند چه در گذشته، چه در حال و آینده صدای مردم باشند باید گرد هم می آمدند.

امروز نیاز مبرم است که این افراد دور هم جمع شوند، مشورت کنند، به گفتگو بنشینند و به تفاهم برسند تا نقطه ای مشخص در دنیا را به عنوان محل تجمع تمامی نیروهای مشروع و مردمی، نمایندگان واقعی، و سیاستمداران دلسوز منافع ملی افغانستان تعیین کنند. آن ها باید در آنجا گرد هم آیند تا یک حرکت و تحرک جدی برای ایجاد «حاکمیت مشروع در تبعید» به وجود آید؛ زیرا ما نمی توانیم صبر کنیم و ببینیم که حاکمیتی غیر مشروع در افغانستان حضور دارد و خود هیچ تلاشی برای ایجاد یک حاکمیت مشروع در بیرون انجام ندهیم.

ما باید تلاش کنیم. حتی کسانی که معتقدند مشکل افغانستان باید از طریق مذاکره و گفتگو حل شود در حالی که هیچ



ابتکار برین برای توسعه

Bareen Initiative for Development (BID)

نوع خوش بینی در این راستا وجود ندارد، چرا که با گذشت زمان، گروه حاکم قدرت را انحصار کرده و هیچ تفاهمی با مردم برای شکل گیری حاکمیت مشروع نمی کند باید بدانند که گفتگو و مذاکره نیز با داشتن یک «حاکمیت مشروع در تبعید» مؤثرتر، منظم تر و سیستماتیک تر پیش خواهد رفت. اگر امروز طالبان بخواهند مذاکره کنند، با کدام جهت و مرجع افغانستانی مذاکره کنند؟ پس حاکمیت مشروع در تبعید، یک ضرورت اصلی و اساسی برای مردم افغانستان است.

چه کسانی که آرزومند مذاکره هستند (اگرچه شخصاً هیچ شانس برای گفتگو نمی بینم)، و چه کسانی که از راه مبارزه مسلحانه می خواهند حاکمیت طالبان را سرنگون کنند، هر دو گروه نیازمند آن هستند که حاکمیتی در تبعید به وجود آید. تا در صورت سقوط طالبان که هر لحظه امکان وقوع این تحول در داخل افغانستان وجود دارد این حاکمیت در تبعید کمک کند که قدرت به صورت مسالمت آمیز منتقل شود، نیروها به داخل کشور بروند و مسئولیت خدمت به مردم را بر عهده بگیرند.

همچنین سایر مجموعه هایی که افکار متفاوتی نسبت به وضعیت افغانستان دارند، همگی باید نیروی خود را منسجم سازند و در راستای ایجاد حاکمیت مشروع در تبعید تلاش کنند. اگر امروز دنیا طالبان را به رسمیت نمی شناسد، پس مردم، سیاسیون و رهبران دلسوز افغانستان وظیفه دارند حاکمیتی مورد تأیید جامعه جهانی به وجود آورند؛ حاکمیتی که دنیا آن را به رسمیت بشناسد و با آن تعامل کند.

به امید آزادی، سربلندی و موفقیت افغانستان. در پناه حق باشید.